**هو الحکیم**

**این متن برای شام غریبان حضرت صدیقۀ طاهره سلام الله علیها**

**در مسجد جامع لاهیجان به تاریخ 16 دی 1400 آماده شده است.**

# درسی از سیرۀ فاطمی

**اَنْتُمْ عِبادَ اللَّهِ نُصُبُ اَمْرِهِ وَ نَهْیِهِ، وَ حَمَلَةُ دینِهِ وَ وَحْیِهِ، وَ اُمَناءُ اللَّهِ عَلى اَنْفُسِکُمْ، وَ بُلَغاؤُهُ اِلَى الْاُمَمِ، زَعیمُ حَقٍّ لَهُ**

### مقدمه: ضرروت عبرت ودرس

امشب شام غریبان حضرت صدّیقه طاهره، فاطمه مرضیه سلام‌ اللَّه ‌علیها ست. شب پرغمی است، برای اهل بیت عصمت و طهارت و برای همۀ ما شیعیان. اما برای کسانی که از روزگاران درس عبرت می‌گیرند، پراز درس است. منتها چشم عبرت‌بین و دل درس‌آموز می‌خواهد.

عبرت و درس این‌جاست که ـ همین است که الگوی ماست ـ حضرت صدّیقه طاهره سلام ‌اللَّه ‌علیها، حرکتی را انجام داد که اگرچه مدتزمان آن بسیار کوتاه بود، ـ 75 یا 90 روز ـ اما درس استقامت، ایستادگی در راه حق، موقعیت‌شناسی، بردباری، بی‌نظیری به همۀ بشریت داده. یعنی یک مسألۀ بسیار بزرگ که وسعت آن کل تاریخ بشریت را گرفته است، در مدت زمان بسیار کوتاهی رخ داد. اما ما باید با دیدۀ تدبر و عبرت به آن بنگریم و از آن ساده نگذریم. همین خطبۀ فدکیه که کتابی عظیم است و درس‌های بسیاری برای ما دارد.

رفتار خاص آن حضرت هم درس دیگری است، ایشان امکانات، رفاه، آسودگی را کلاً سه‌طلاقه کرده بودند، این در کل زندگی پربرکت 18 سالۀ حضرت نمایان بود، اما در این مدت کوتاه بشدت خودنمایی می‌کرد، همۀ راه‌های عافیت و عاقبت‌اندیشی و مصلحت‌اندیشی‌ها را که معمولاً در مواقع بحران و خطر به سراغ آدم‌ها می‌آید و آنان را دچار انفعال و محافظه‌کاری می‌کند، کاملاً بیگانه بودند.

تحمل این‌همه سختی‌ها و مرارت‌ها و آسیب‌ها و فشارها برای چه بود؟ برای دعوت به خدا و راه خدا!

**«قُلْ هذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلى‏ بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحانَ اللَّهِ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِين»** [یوسف: 108]

این راه اسلام و مسلمانان در طول تاریخ است.

عظمت این‌جاست که یک زن جوان در سخت‌ترین دوران اسلام، بلندترین فریاد تاریخ را سر می‌دهند. ـ این امر ساده‌ای نیست ـ و مسیر تاریخ را که می‌رفت برای همیشه منحرف شود، به سوی نورانیت ولایت الهی برمی‌گردانند و این سخن گرافی نیست که بگوییم خورشید درخشان و نورانی زهرای مرضیه است که بر کل تاربخ و تاریخ اسلام و تاریخ تشیع نور می‌دهد و آن را روشن می‌کند و گرما می‌بخشد. تا دنیا دنیاست، این خورشید می‌درخشد و همۀ انسان‌ها از آن بهره می‌برند. بله همۀ بشریت ریزه‌خوار سفرۀ اکرام مادر هستی هستند که چادر خاکی اوست که سایه بر بشریت انداخته است.

دلیل این امر چیست؟ آن روح معنوی و الهی است که در آن حضرت به کمال و تمام بود و در خطبۀ فدکیه ما را هم به آن دعوت می‌فرمایند. بنده چند فراز از آن را برای شما انتخاب کرده که باهم بخوانیم و خودمان را به این خورشید بدون غروب متصل کنیم.

# وظیفۀ همگانی بندگان خدا

***أَنْتُمْ عِبَادُ اللهِ***

شما ای بندگان خدا!

خطاب به همۀ ماست، بندگان خدا! شما کیستید؟

### اقامه‌کنندگان امر و نهی الهی

***نُصْب[[1]](#footnote-1)ُ أَمْرِهِ وَ نَهْیِه***

[1] اقامه‌کنندۀ امر و نهی الهی

اول شما اقامه‌کنندگان امر و نهی الهی هستید، خدای تعالی شما را مسئول آفرید تا اهداف الهی را روی زمین پیاده کنید و تحقق بخشید. امر و نهی الهی مجموع شریعت اسلامی است. خدای سبحان شما را برگزیده است تا دین و شریعت الهی ـ یعنی امر و نهی او را ـ اقامه کنید و برپا دارید.

### حاملان دین و وحی الهی

 ***وَ حَمَلَةُ دِینِهِ وَ وَحْیِهِ،***

 [2] و حاملان دین و وحی او

دوم شما حاملان دین و وحی خدای سبحان هستید. دین و وحی خدا بر دوش شماست، تصور نکنید که به این دنیا آمده‌اید برای خورد و خوراک و خواب؛ شما وظایف سنگینی بر دوش دارید و مسئول هستید و بار تحقق دین و وحی الهی بر دوش شماست.

دین هم نه در حرف و سخن، بلکه باید در عمل تحقق یابد، هم در عمل خودتان و هم در کل جامعه. باید جلوه‌های دین و وحی الهی در جامعه تجلی یابند. وگرنه اگر جامعه ظاهر دینی باشد، اما باطن آن پر از ستم و بی‌عدالتی و فقر و فساد و فاصلۀ طبقاتی و بی‌عزتی باشد، این جامعه ـ به تعبیر شهید بهشتی لجن است ـ زیرا شرک بر این جامعه سیطره دارد، نه دین و وحی الهی.

ملاک را خوب دقت کنیم، باید قران در جامعه پیاده شود و این کار و تکلیف همه ما مردم است.

### امینان خدا در جامعه

***وَ اُمَنَاءُ اللهِ عَلَی أَنْفُسِکُمْ***

[3] و امینان خدا بر خویشتن

سوم: شما امین خدای سبحان هستید، بر خودتان. «انفسکم» در این‌جا به معنای جمعی آن مورد توجه است و این اصطلاح در آیات قرآن و روایات زیاد آمده است. معنای «انفسکم» آن است که همۀ مردم و جامعه به‌منزلۀ خود شما هستند، یعنی جامعۀ اسلامی به‌منزلۀ یک تن است و آحاد و تک‌تک افراد آن به‌منزلۀ اعضا و جوارح این پیکر یگانه هستند که درد یکی درد همگی است و آسایش همه در گروه آسایش تک‌تک آحاد جامعه است.

پس در جامعۀ اسلامی هرکس امین الهی است که از کیان جامعه پاسداری کند. همۀ ما مسئول پاکی و طهارت و سلامت و پیشرفت و عزت و کرامت مردم و عدالت در درون جامعه هستیم و کسی نمی‌تواند از آن سرباز بزند.

### مبلغان دین برای امت‌ها و جوامع

***وَ بُلَغاؤُهُ إلَی الأُمَمِ***

[4] و مبلّغان او به سوی امّت‌ها

کار و تکلیف شما به جامعۀ خودتان ختم نمی‌شود، بلکه شما وظیفۀ مهمی دیگری دارد آن این‌که مبلغ دین الهی برای امت‌ها و جوامع بشری باشید. یعنی با اسلام، مسئولیت کل بشریت را باید بر دوش خود حس کنید.

### عهده‌داران حقی الهی

***وَ زَعِیمُ حَقٍّ لَهُ فِیکُمْ***

[5] عهده‌دار حق الهی در میان خود

شما زعیم و کفیل حق در جامعۀ خود هستید، برقرار حق و عدل در جامعه بر عهدۀ شماست. شما مسئول جامعه هستید و باید حق و عدل را در میان خودتان پیاده کنید و تحقق بخشید.

### حافظان پیمان خداوند

***وَ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إلَیْکُمْ***

[6] و حافظِ پیمان خداوند هستید که در دسترس همه شماست

پیمان الهی که در میان شماست، و توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شما داده شد هاست، حافظ و نگهبان آن هستید.

**وَ بَقِیَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَیْکُمْ: کِتَابُ اللهِ النَّاطِقُ...**

[آن پیمان چیست] و آن‌چه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از خود درمیان به یادگار گذاشت و آن کتاب گویای خداوند است...

آری کتاب خدای سبحان، پیمان الهی است که در میان شما به ودیعه گذاشته شده است و شما باید آن را حافظ باشید. خدای تعالی با شما پیمان بسته که به کتاب خدا التزام داشته باشید و آن را در روی زمین و در جان و جامعۀ خود تحقق بخشید. کتاب خدا صامت نیست، بلکه ناطق و گویاست، فقط شما باید به سوی آن بروید.

# سه راه‌کار عملیاتی

آن‌گاه حضرت قرآن را توصیف فرمودند و دربارۀ حقایق شریعت چون ولایت، عدالت، امر به معرف و نهی از منکر و نماز و احکا شرعی بیاناتی فرمودند و ادامه دادند:

### تقوا و پیروزی

**فَ (اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إلأَ وَ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ). [آل‌عمران: 102]**

[1] اکنون که چنین است، تقوای الهی پیشه کنید و آن‌چنان که شایسته مقام اوست، و تلاش کنید که مسلمان از دنیا بروید.

اولین راه تحقق این وظایف مهم، تقواست. آن‌هم تقوایی که حق آن است. تقوا الله یعنی ملاحظۀ خدای سبحان را بکنید و از خودتان و قلب خودتان و باورها و عمل خود مراقبت کنید به‌گونه‌ای که تا زنده هستید با ملکۀ تقوا زندگی کنید و مرگ شما هم در حالی باشد که تسلیم خدای سبحان باشید و مسلمان از دنیا بروید. این اولین ویژگی مومن حقی است.

حضرت زهراء سلام الله علیها مظهر همین تقوا بودند. تقوا امر بسیار مهمی است، هرکاری که می‌خواهیم انجام بدهید، باید مراقب باشیم که جز انجام مأموریت و مسئولیت الهی و جز برای جلب رضای خدا نباشد. اثر طبیعی تقوا، رسیدن به هدف است. شما ملاحظه فرمایید که حضرت صدیقۀ طاهره سلام الله علیها چه درسی به ما دادند. شما انسان معمولی نباشید، بلکه با تقوای الهی، روح خودتان را صیق بدهید. اگر می‌خواهید اسیر سقیفه و امثال سقیفه و فتنه‌ها نشوید. راهش تقواست.

ما اثر تقوا را در امام عزیز خودمان دیدیم، و در دفاع مقدس و جبهه‌های نبرد، دیدیم که چه دل‌های نورانیّ با علم و معرفت عجین بود که همگی به دلیل تقوا و اخلاصی بود که در این جوانان پاک ما بود. و در زمان خودمان شهید سلیمانی سرافراز را هم دیدیم که چه گوهر قیمتی بود. تقوا و اخلاص در میدان عمل او را این مقام رساند.

تقوا عامل و علتی است که با آن فرد و جامعه و اجتماع وقتی با آن وارد عمل می‌شود، حتماً موفق می‌شود: **«والعاقبة للمتّقین»** [اعراف: 128] ؛ این سنت قطعی الهی است. عاقبت سیر تاریخ متعلق به متقین است. ما در انقلاب اسلامی این امر را آزمودیم.

اگر مسئولان ما در نظام اسلامی، تقوا داشته باشند، محال است که فساد در نظام مدیریتی ما راه پیدا کند. اما اگر مسئولان تقوا نداشته باشند، خسارت‌های زیادی بر کشور ما وارد می‌شود که دیدیم و با همۀ وجود خودمان لمس کردیم.

اگر مردم ما تقوا را رعایت کنند، اجازۀ رسوخ فساد در بدنۀ نظام را نمی‌دهند و بلافاصله راه را برای مفسدان سد می‌کنند. حتی زمانی که نیروهای مردم به ظاهر نسبت به قدرت مفسدان نابرابر و کم باشند. تقوا عاملی است که موجب می‌شود که موقعیت نابرابر به نفع مومنان برابر شود. بنابراین باید غفلت را از خودمان بزدانیم و مراقب خودمان باشیم. هم ما آحاد مردم و هم مسئولان نظام. در این صورت است که خسارتی بر ما وارد نمی‌شود.

### اخلاص و قدرت معنوی

**وَ أَطِیعُوا اللهَ فِیمَا أَمَرَکُمْ بِهِ وَ نَهَاکُمْ عَنْهُ،**

[2] خدا را در آن‌چه امر یا نهی فرموده، اطاعت کنید

دوم اطاعت خدای سبحان در امر و نهی الهی است. فرمان‌برداری خالصانه.

اخلاص در کنار تقوا معجزه می‌کند. اخلاص یعنی این‌که همۀ کارهای ما فقط برای خدا خالص شود و بالاتر از آن جان ما برای خدای سبحان خالص شود. اخلاص موجب می‌شود که مومنان قدرت معنوی پیدا کنند که بالاتر از هر قدرتی است. کسی که امر و نهی الهی را مخلصانه فرمان‌برداری می‌کند، خدای تعالی به او قدرت و اقتداری می‌دهد که همۀ عالم در برابر او ذلیل و تسلیم است.

 انقلاب اسلامی دارای قدرت معنوی است، و ما با تکی بر معنویت و معرفت ـ که در بند بعدی آمده است ـ راه خود را پیش رفتیم و می‌رویم. پیش‌روندگی و پیش‌برندگی انقلاب اسلامی به همین قدرت معنوی است که متأسفانه برخی از ما پیشیمان از این قدرت، به دنبال ساختنِ با قدرت‌های پوشالی مادی هستیم.

انقلاب اسلامی این‌‌گونه دربرابر قدرت‌های سخت و نرم دنیای استکبار، دست برتر و بالاتر را دارد. این معنویت، تنها با اخلاص حاصل می‌شود. کار برای خدا، انجام دستورات الهی، بندگی خدا، این‌ها عناوینی است که ما را عزیز می‌کند و جلو می‌برد.

قدرت ما به موشک‌ها و توان نظامی نیست، که آن‌ها ضروری است و باید با قوت و قدرت ادامه یابد، بلکه به قدرت معنوی است که در جوانان و آحاد جامعه است که با اخلاص در مسیر حق گام برمی‌دارند و رازهای جهان و علم بر روی‌شان باز می‌شود.

### علم و معرفت و اقتدار

**فَإنَّهُ (إنَّمَا یَخْشَی اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)؛[فاطر: 28]**

[3] و راه علم را پیش گیرید زیرا از میان بندگان خدا تنها عالمان و آگاهان از او می ترسند و احساس مسئولیت می کنند.

سوم معرفت و علم است، شما ملاحظه فرمایید که راه خدا، راه پرخطری است، سختی‌ها بسیاری دارد، هم راه پرافتخار و پرعزتی است، هم پرخطر و پر از سختی‌ها و گردنه‌هاست. و لازم است که به آن معرفت و آگاهی داشته باشیم. طواغیت سد و مانع بزرگی در این مسیر هستند و ما جنگی سخت با آنان داریم. به این دلیل اقتدار و مقاومت فعالانه برای آن ضرورت دارد.

ببینید حضرت زینب کبری سلام‌ اللَّه ‌علیها که یک نمونۀ تمام‌عیار از مادر خود حضرت فاطمه زهرا سلام ‌اللَّه ‌علیها، چگونه با اقتدار رهبری کاروان حسینی در اسارت را برعهده گرفت تا در جایی که در مجلس یزد مقتدرترین و سفاک‌ترین و ظالمین سلاطین زمان، آن‌هم در حالت اسارت با صلابت و قدرت می‌گوید:

هر کاری می‌توانی بکنی، بکن؛ اما نخواهی توانست ما را از صحنه تاریخ بیرون ببری و راه‌مان را محو و پاک کنی تا بشریّت نتواند این راه را برود.

این‌چنین یزید را تحقیر کرد. آری قدرت‌های مادی نمی‌توانند، قدرت ایمان را از صحنۀ تاریخ بیرون ببرند. بلکه این قدرت‌های پوشالی مادیون دنیاطلب هستند به زباله‌دان تاریخ انداخته خواهند شد، قدرت ایمان همواره پابرجاست. اما لازمۀ آن در کنار تقوا و اخلاص رهروانِ راه حق، معرفت و علم به حق و مواضع حق است

این درس صدیقۀ طاهره سلام الله علیها به ماست، به ما شیعیان و پیروان و محبان که باید در این مسیر باشیم. هستیم؟ خوشابحالمان، چون شهید سلیمانی رستگار می‌شویم. اگر فاصله داریم تا فرصت هست، فاصله‌ها را کم کنیم.

1. نصب دلالت برپاداشتن دارد. در مقاییس آمده است: «نصب: أصل صحيح يدلّ على إقامة شي‏ء و إهداف في استواء» [مقاییس اللغۀ: 5/434] «نصب: اصل صحیحی است که دلالت دارد اقامه و برپایی چیزی و برخاستن در حالت استواء و استواری است.» بنابراین «انتم نصب امره و نهیه» به این معنای است که شما برای برپایی و اقامۀ امر و نهی الهی برگزینده شده‌اید. [↑](#footnote-ref-1)